



حجاب از منظر فقه شیعه و اهل سنت

مأده رضایی^۱

مقدسه بیگزاد^۲

چکیده

یکی از احکام ثابت اسلام که همه مذاهب اسلامی بر آن اتفاق دارند، وجوب رعایت حجاب برای بانوان است و از آن جا که بخش قابل توجهی از جهان اسلام را اهل تسنن و شیعه تشکیل می‌دهند، این مسأله در تمام جهان اسلام مطرح است. در این نوشتار دیدگاه فقهای اهل تسنن و شیعه در زمینه اصل لزوم پوشش و محدوده آن با توجه به آیات، روایات و استنباطهای فقها مورد بررسی قرار گرفته و دلایل و مبانی آن با روش توصیفی-تحلیلی مطرح شده است و در ادامه به این سؤال پاسخ داده شده که «وجه اختلاف و اشتراک از منظر فقهای اهل تسنن و شیعه در مورد حجاب چه می‌باشد؟» از لحاظ فقه اسلامی پوشانیدن غیر وجه و کفین بر زن واجب است. دیدگاه فقه شیعه و سنی در رابطه با نامحرم این است که زن باید غیر از صورت و دستان تا مچ، تمام قسمتهای بدن خود را از نامحرم بپوشاند. در مسأله حرمت لمس نیز مثل شیعه، لمس و تماس فیزیکی زن و مرد نامحرم به‌خاطر شدت خوف در فتنه، حرمتش شدیدتر از نگاه به نامحرم است مگر در موارد ناچاری.

واژگان کلیدی: حجاب، زن، فقه شیعه، فقه اهل سنت.

^۱ مدرس جامعه المصطفی العالمیه

^۲ کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، نمایندگی خراسان



مقدمه

پوشش زن یکی از مسائل مهم دین مبین اسلام است که تمام مذاهب مخصوصاً شیعه و اهل سنت به آن توجه داشته است. از نظر اسلام پوشیدگی زن از بهترین جلوه‌های بندگی است. حجاب و عفت زنان تجلی‌گاه ارزش‌های زن مسلمان است و هرچه زن پوشیده‌تر باشد، نزد خدای متعال مقام بالاتری دارد. حجاب یک حق است که نباید ضایع شود، یک مسئولیت است که باید بماند و یک شکوه و زیبایی معنوی است که باید پاسداری شود و یک حریم الهی است که باید حفظ شود. بنابراین دین مبین اسلام به این مسأله مهم فرهنگی توجه داشته و احکامی برای آن وضع کرده است.

پژوهش حاضر بر آن است تا به روش کتابخانه‌ای و از منظر توصیفی، تحلیلی و تطبیقی، به بررسی حکم و محدوده حجاب در متون فقهی شیعه و اهل سنت بپردازد. ابتدا لازم است مفاهیم اصلی تحقیق معنا شود:

۱. مفهوم شناسی

الف. حجاب

«حجاب» مصدر از ریشه «ح ج ب» است که اهل لغت تعریف‌های مختلفی برای آن بیان کرده‌اند. این واژه در لغت به معنای مانع، چیزی که بین دو چیز جدایی افکند، پوشاندن و پوشش (ستر) است. (مرعشی، ۱۳۷۹، ۱۰۳) حجاب در لغت به معنای پوشش (پوششی که مانع از دیده شدن شیء پوشانده شده می‌شود) و فاصله بین دو چیز است. (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۹۸؛ فیومی، بی‌تا، ۱۲۱) پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. (مطهری، ۱۳۷۹، ۷۳)

واژه حجاب، هفت بار در قرآن کریم در معنای مانع و حائل به کار رفته است. در آیه ۵۳ سوره احزاب، که آیه حجاب خوانده می‌شود، به مردان دستور داده شده با همسران پیامبر از پشت پرده (مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ) سخن بگویند.

«استعمال کلمه حجاب در مورد پوشش زن اصطلاح نسبتاً جدیدی است. در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر که به معنی پوشش است به کار می‌رفته است. فقها چه در کتاب الصلوة و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده‌اند، کلمه ستر را به کار برده‌اند نه کلمه

حجاب را. بهتر این بود که این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را به کار می‌بردیم، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب «پرده» است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید همین مطلب است. در آیات مربوطه، لغت حجاب به کار نرفته است. آیاتی که درباره این موضوع هست چه در سوره مبارکه نور و چه در سوره مبارکه احزاب حدود پوشش و تماس‌های زن و مرد را ذکر کرده است بدون آن که کلمه حجاب را به کار برده باشد. (مطهری، ۱۳۹۴، ۷۳-۷۵)

در فقه مراد از حجاب بیشتر پوشش بانوان مقصود است به گونه‌ای که آنان هنگام مواجهه و معاشرت با افراد نامحرم بدن خود را بپوشانند و از تبرج، جلوه‌گری و خودنمایی نیز بپرهیزند. بنابراین حجاب اسلامی بانوان دو بُعد ایجابی و سلبی دارند. بُعد ایجابی آن پوشش بدن و بُعد سلبی آن حرام بودن خودنمایی در برخورد با نامحرم است و این دو بعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی بانوان محقق شود. بر این اساس به نظر می‌رسد معادل دقیق اصطلاح (پوشش) در زبان عرب واژه ستر است و شاید استفاده از حجاب که برگرفته از فرهنگ قرآن است و سبب ویژگی خاص این کلمه یعنی مانع و حائل بودن است که پوشش زن سبب می‌شود مانع بین او و نامحرم قرار گرفته و بتواند در جامعه حاضر شود در هر صورت مراد ما از این واژه معنای عرفی آن که معادل واژه ساتر در اصطلاح فقهاء باشد. (مهدی زاده، فلسفه حجاب ۱۳۹۰، ص ۵۰)

ب. فقه

«فقه» در لغت به معنای فهم و در اصطلاح فقها به معنی آشنایی با احکام فرعی شرعی است که از راه ادله تفصیلی آن یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل به دست می‌آید. کلمه «فقیه» بر فردی اطلاق می‌شود که دارای قدرت استنباط احکام فرعی شرعی از راه ادله تفصیلی آن باشد. (جناتی شاهرودی، بی تا: ۳)

فقه امامیه یکی از مذاهب فقهی در اسلام است، این مذهب از آن رو که پیروان آن از شیعیان دوازده امامی‌اند به «فقه شیعه» مشهور است.



فقه اهل سنت علمی که پیروان آن در فقه و احکام دینی، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اعمال و افعال چهار خلیفه (شافعی، حنبلی، حنفی، مالکی) و سایر صحابه پیامبر را ملاک و حجت می‌دانند.

۲. محدوده حجاب زن در فقه شیعه

محدوده حجاب و حکم حجاب در فقه در بخش نماز و نکاح مطرح شده است. این حکم از نظر فقهاء از احکام ضروری دین اسلام است. در باور مسلمانان ایجاد امنیت روانی، حفظ و سلامت اخلاقی جامعه از حکمت‌های واجب شدن حجاب است. پس ما محدوده حجاب را با نظر به چند ادله بررسی می‌کنیم. البته قبل از بررسی لازم است که چند مسئله را در مورد پوشش که از نظر فقه اسلامی (شیعه و اهل سنت) قطعی است مشخص کنیم.

الف. ضرورت پوشش در چند مسأله

۱. در این که پوشانیدن غیر وجه و کفین بر زن واجب است از لحاظ فقه اسلامی هیچگونه تردید وجود ندارد، از نظر قرآن و حدیث هم در این مورد اختلاف وجود ندارد، آنچه که مورد بحث است پوشش چهره و دستها تا مچ است. (مطهری، مسئله حجاب، ۱۳۹۴، ۱۶۵)
۲. باید مسئله وجوب پوشش را که وظیفه زن است، از مسئله حرمت نظر بر زن که مربوط به مرد است، تفکیک کرد. ممکن است کسی قائل شود به عدم وجوب پوشیدن وجه و کفین بر زن، در عین حال نظر بدهد به حرمت نظر از جانب مرد، نباید پنداشت که بین این دو مسأله ملازمه است.
- همچنان از نظر فقهی مسلم است که بر مرد واجب نیست سر خود را بپوشاند ولی این، دلیل نمی‌شود که بر زن هم نگاه کردن به سر و بدن مرد جایز باشد. (همان، ۱۶۶)
۳. در مسأله جواز نظر، تردیدی نیست که اگر نظر، از روی تلذذ یا ریه باشد حرام است. تلذذ یعنی لذت بردن و نگاه به قصد لذت بردن باشد و اما ریه یعنی نظر، به خاطر تلذذ و چشم چرانی نیست ولی خطرناک است و خوف لغزش به دنبال نگاه کردن به وجود می‌آید، این دو نوع نظر مطلقاً حرام است حتی در مورد محارم، تنها مورد که استثناء شده نظری است که مقدمه خواستگاری است، البته شرط این است که طرف قصد ازدواج داشته باشد.



فقه‌ها تصریح کرده‌اند که جایز نیست کسی به زن‌ها نگاه کند تا در بین آنها یکی را انتخاب کند، آنچه جایز است در مورد یک زن خاص که به او معرفی شده است و درباره‌اش می‌اندیشد از سایر جهات تردیدی ندارد، فقط از نظر چهره و اندام تردید دارد، می‌خواهد ببیند برخی دیگر از فقه‌ها مطلب را به صورت احتیاط بیان کرده است. (همان، ۱۶۷)

ب. پوشش وجه و کفین

بعد از این که موارد قطعی پوشش را بیان کردیم نوبت می‌رسد به بحث درباره پوشش وجه و کفین، مسأله پوشش برحسب اینکه پوشانیدن وجه و کفین واجب باشد یا نباشد دو فلسفه کاملاً متفاوت پیدا می‌کند. اگر پوشش وجه و کفین را لازم بدانیم در حقیقت طرفدار پرده نشینی زن و ممنوعیت او از هر نوع کاری جز در محیط خاص خانه و یا محیط‌های صد در صد اختصاصی زنان هستیم. ولی اگر پوشیدن سایر بدن را لازم بدانیم و هر نوع عمل تحریک‌آمیز را حرام بشماریم و بر مردان نیز نظر، از لذت و ریبه را حرام بدانیم اما تنها پوشیدن گردی چهره و پوشیدن دستها تا مچ را واجب ندانیم آن هم به شرط اینکه خالی از هر نوع آرایشی جلب توجه و محرک و مهیج باشد، بلکه ساده و عادی باشد، آن وقت مسأله، صورت دیگری پیدا می‌کند و طرفدار فلسفه دیگری هستیم و آن فلسفه این است که لزومی ندارد زن الزاماً به درون خانه رانده شود و پرده نشین باشد، بلکه صرفاً باید این فلسفه رعایت گردد که هر نوع لذت جنسی اختصاص به محیط خانواده داشته و کانون اجتماع باید پاک و منزه باشد و نباید هیچگونه کامجویی در خارج از کادر همسری صورت بگیرد، بنابراین زن می‌تواند هر نوع کار اجتماعی را عهده دار شود. (جعفریان، رسائل حجابیه، ۱۳۸۶، ۱۲۰۱)

ج. ادله نقلی

یکم. آیات

«وَلَا يُدِينَ زِينَتُهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» جمله دیگری «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» در مورد جمله اول باید گفت اکثر مفسران و عموم روایات، سرمه، خضاب و انگشتر و دستبند و امثال اینها را مصداق مستثنی «إِلَّا مَا ظَهَرَ» دانسته‌اند. این زینت، زینت‌هایی است که در چهره و دو دست تا مچ وجود دارد و کسانی که پوشش وجه و کفین را واجب می‌دانند باید استثناً «إِلَّا مَا ظَهَرَ» را منحصر بدانند به لباس، واضح است که حمل استثناء بر این معنی بسیار بعید و خلاف بلاغت قرآن است. مخفی داشتن لباس به این علت که غیر ممکن است احتیاج به استثناء ندارد.



گذشته از اینکه لباس را وقتی می‌توان زینت محسوب کرد که قسمتی از بدن نمایان باشد ولی اگر زن تمام بدن را با یک لباس سرتاسری بپوشاند چنین لباس زینت شمرده نمی‌شود، خلاصه ظهور آیه را نمی‌توان منکر شد.

در مورد جمله دوم باید گفت آیه دلالت دارد که پوشانیدن گریبان لازم است و چون در مقام بیان حد است، اگر پوشانیدن چهره هم لازم بود بیان می‌کرد. خمار که به معنای روسری است، برای پوشانیدن سر وضع شده است. ذکر کلمه خُمَر در آیه می‌فهماند که زن باید روسری داشته باشد و واضح است که روسری پوشیدن مربوط به سر است و اما اینکه غیر از سر، آیا قسمت دیگری را هم باید با روسری پوشانید یا نه، بستگی به بیان آن دارد و چون در آیه فقط زدن دو طرف روسری بر گریبان مطرح است معلوم می‌شود که همین مقدار واجب است. (نور ۳۱؛ همان، ۱۲۰۳_۱۲۰۴)

پس از این آیه فهمیده می‌شود که پوشش چهره و دو دست واجب نمی‌باشد، همین مقدار که قرآن بیان نموده واجب می‌باشد، یعنی خمار روسری کوچک معنا می‌دهد همان حد را که قرآن بیان کرده فقط همان مقدار پوشانیدن آن واجب است. اگر پوشانیدن چهره لازم می‌بود بیان می‌کرد در حالیکه خمار برای پوشانیدن سر می‌باشد.

در آیه دیگری سوره نور می‌فرماید: به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را از هر نامحرمی فرو ببندد و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نکنند و پاهای خود را به زمین نکوبند تا اینکه رستگار شوند. از این آیات فهمیده می‌شود که حجاب فقط تنها بر پوشش خلاصه نمی‌شود باید حجاب در چشم هم داشته باشیم و در قسمت زینت ظاهری هم حجاب داشته باشیم نباید در جامعه جلوه‌گری بکنیم.

دوم. روایات

از محضر امام صادق (علیهم السلام) سؤال شد: زینتی که زن می‌تواند پیش نامحرمان آشکار کند چیست؟ حضرت فرمودند: تنها چهره و دست‌های زن از مچ تا انگشتان. (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ۲۰۲)

احمد بن نصر بزنطی که از اصحاب عالیقدر حضرت رضا (علیهم السلام) است می‌گوید: از حضرت رضا (علیهم السلام) سؤال کردم آیا برای مرد جایز است که به موی خواهر زنش نگاه

کند؟ فرمودند: مگر اینکه از زنان سالخورده باشد. گفتم پس خواهر زن و بیگانه یکی است. فرمود: بلی.

از این روایت فهمیده می‌شود که هم در سوال و هم در جواب امام آنچه ذکر شده است (مو) است نه (رو) به خوبی روشن می‌شود که استثناء بودن چهره نزد طرفین مسلم بوده است یعنی پوشش چهره ذکر نشده است. (همان، ج ۳، ۲۵)

از این دو روایت فهمیده می‌شود که پوشش چهره و دو دست لزومی ندارد، به دلیل دلالت این دو روایت که، پوشش چهره و دو دست واجب نیست، اگر چنین بود حتماً بیان می‌شد. در نتیجه تمام فقهاء شیعه بر این نظر است که پوشاندن تمام بدن، غیر از صورت و کفین بر زنان واجب است.

د. حجاب در اعمال عبادی

نماز:

بر زن بالغ آزاد واجب است تمام بدن خود را در نماز بپوشاند، خواه بیننده باشد یا نباشد. لیکن بنا بر مشهور پوشاندن صورت و دست از سر انگشتان تا مچ و پوشانیدن قدم‌ها لازم نیست. البته بنا بر قول وجوب پوشاندن آنها از نامحرم در صورت وجود بیننده نامحرم، پوشیدن آنها نیز واجب خواهد بود. (نجفی، جواهر کلام ۱۹۸۱، ۱۶۲)

در مورد پوشش سر در حین نماز و غیر آن، همه علماء قائل به وجوب آن هستند، جز ابن جنید که بنا بر احتجاج به اصالت براءت ذمه گفته اشکالی ندارد که زن آزاد و غیر آن، هنگامی که نامحرمی او را نبیند بدون پوشش سر، نماز بخواند و همچنین روایت از عبدالله بن بکیر از امام صادق (علیهم السلام) که فرمودند: اشکالی ندارد که زن مسلمان آزاده، بدون پوشش سر، نماز بخواند.

علامه در نقد این نظریه می‌فرماید: اولاً اصالت براءت زمانی جاری است که دلیل نباشد، ولی ما در این جا دلایل متعدد از روایات مبنی بر پوشش سر داریم و ثانیاً عبدالله بن بکیر اگر چه ثقه است ولی از جمله فتوحیات است و علاوه بر این حدیث، حمل بر کنیز می‌شود. پوشش بقیه اعضای بدن به جز وجه و کفین در حین نماز نیز یک مسئله مسلم در فقه صلاتی و غیر آن است





و (در مقابل نامحرم) فرقی نگذاشته و قائل به وجوب پوشش هستند و برخی قائل به عدم پوشش پاها در نماز هستند و استثناء این مورد را در نماز پذیرفته‌اند.

در هر صورت خداوند حکمت اصلی حکم وجوب پوشش در نماز را می‌داند، اما می‌توان گفت که شکی نیست که خداوند از همه چیز و در همه حال باخبر است. پوشیده و پنهان برای او مفهومی ندارد و با بندگان خود نیز نامحرم نیست، ولی انسان در حال عبادت خود را در محضر خدا می‌بیند و با او راز و نیاز می‌کند. (فلاح تفتی، حاکمیت حجاب ۱۳۹۷، ۹۹)

در این مورد قرآن کریم می‌فرماید: بگو عمل کنید خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی دانایی نهران و آشکار باز گرداننده می‌شوید و شما را به آنچه عمل می‌کردید خبر می‌دهد. (توبه/ ۱۰۵)

معلوم است که در چنین حالی باید مناسب‌ترین لباس را در حضور او پوشید و مناسب‌ترین لباس برای زن همان لباس کامل است، یعنی لباسی که نشانه عفت و پاکدامنی اوست و تنها چنین لباسی شایسته حال عبادت او می‌باشد. (ر.ک: اشتهاوردی، پوشش زن در اسلام، ۴۵)

حج: پوشاندن صورت با روبند یا غیر آن که متصل به صورت باشد در حال احرام، حرام است در اینکه پوشاندن صورت حرام است یا نه اختلاف است. (نجفی، ۱۳۷۳، ۳۸۹)

۵. اقوال مجتهدین در مسئله حجاب

تمام مجتهدین اتفاق نظر دارند که صورت و کفین و ظاهر قدمین زن واجب نیست مستور باشد. برای تعیین این تکلیف الهی، سید محمد کاظم یزدی طباطبایی در عروة الوثقی در اول کتاب صلاة فرموده است: ستر دو قسم است، اول ستری که فی حد ذاته و بنفسه واجب است و دوم ستری که در نماز واجب است بر هر مکلف واجب است که عورتین خود را از هر مکلف دیگر مستور کند ولو اینکه مماثل او باشد یعنی زن واجب است از زن دیگر و مرد از مرد دیگر، عورت خود را ستر کند، مگر زن و شوهر که ستر عورت هر یک از دیگری واجب نیست و بر زن واجب است تمام بدن خود را غیر از خویشاوندان محرم ستر کند مگر وجه و کفین و قدمین که ستر آنها از مردان اجنبی غیر محرم واجب نیست و واجب نیست بر زن که ستر بقیه بدن از محارم بکند به استثناء عورتین و احتیاط این است مابین ناف و کنده زانو را از محارم ستر کند و در صورتی که

بداند که نگاه کننده که با تلذذ و ریبه نگاه کند چه محرم باشو و چه غیر محرم واجب است که بدن خود را ستر کند حتی وجه و کفین و حتی از محارم و احتیاط این است که مطلقاً وجه و کفین از جانب غیر محرم ستر شود و در قسم دو فرمود لباس خاص برای زن واجب نیست بلکه ستر به هر چیزی تحقق بکند ولو با برگ درخت کافی است. (جعفریان، رسائل حجابیه، ۷۳۳)

خلاصه و ترجمه آنچه که در عروه الوثقی نوشته شده این است و تمام مجتهدین و مراجع تقلید بعد از سید یزدی این کتاب را حاشیه کرده اند و تمام این فتاوی را امضاء نموده و هیچ مخالفتی در آن نیست چونکه با کمال احتیاط نوشته شده است.

۳. محدوده حجاب زن در فقه اهل سنت

مسئله حجاب عبارت از احکامی است که همه مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند، لذا در این مورد ما می‌خواهیم محدوده حجاب را از نظر اهل سنت، البته با نظر به آیات و روایات و دلیل فقهاء اهل سنت مورد بررسی قرار بدهیم.

الف. ادله نقلی

یکم. آیات: در این مورد به آیه‌های ذیل اشاره می‌کنیم.

سوره احزاب

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب / ۵۹)

«ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو، روسری‌های بلند بر خود بیفکنند، این (عمل) مناسب‌تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند و خداوند آمرزنده مهربان است.»

جلباب

در مفهوم جلباب اختلاف نظر وجود دارد. با توجه به کتب لغت و گفتار مفسران شیعه مانند علامه طباطبایی و فیض کاشانی و اهل سنت مانند قرطبی آنچه صحیح‌تر به نظر می‌رسد، آن است که «جلباب» ملحفه و پوششی چادر مانند است نه روسری و خمار. از ابن عباس و ابن مسعود روایت شده که منظور عبا است. پس جلباب لباس



گشاد و پارچه‌ای است که همه بدن را می‌پوشاند. ضمناً همان طور که مفسران بزرگ مانند شیخ طوسی و طبرسی فرموده‌اند، در گذشته دو نوع روسری برای زنان معمول بود، روسری‌های کوچک که آن‌ها را «خِمار» یا «مقنعه» می‌نامیدند و معمولاً در خانه از آن استفاده می‌کردند و روسری‌های بزرگ که مخصوص بیرون خانه به شمار می‌آمد. زنان با این روسری بزرگ که جلباب خوانده می‌شد و از «مقنعه» بزرگ‌تر و از «رداء» کوچک‌تر است و به چادر امروزین شباهت دارد، مو و تمام بدن خود را می‌پوشاندند. به طور خلاصه در معنی «جلباب» مفسران و اهل لغت چه معنی ذکر کرده‌اند:

۱. ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روی سری بلندتر است و سر و گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند.

۲. مقنعه و خمار (روسری)

۳. پیراهن گشاد

اگرچه این معانی با هم متفاوتند ولی قدر مشترک همه آنها این است که بدن را به وسیله آن بپوشاند. اما بیشتر به نظر می‌رسد که منظور پوششی است که از روسری بلندتر و از چادر کوچک‌تر است چنان چه نویسنده «لسان العرب» بر آن تکیه کرده است. (ر.ک: تفسیر نمونه، ۴۲۸، ذیل آیه ۵۹ از سوره احزاب).

یدنین

واژه (ادناء) از ماده دنو به معنای نزدیک کردن و قرب است. (سیاح طاهری، ۱۳۷۸، ۵۸۴) در این آیه آمده زنان جلباب‌ها را بر خود ادناء کنند. مفسرین در این مقصود از ترکیب این واژه اختلاف نظر دارند. قرطبی می‌نویسد: «و اختلف الناس فی سورة ارخائه فقال ابن عباس و عبیده سلمانی ذلک ان تلویه المرأة حتی لا یظهر منها الاعین واحدة تبصر بها و قال ابن عباس ایضا و قتاده ذلک ان تلویه فوق الجبین و تشد ثم تعطفه علی الانف و ان ظهرت عینها لکنه یستر الظهر و معظم الوجه و قال الحسن تغطی نصف وجهها» (فاضل، مجله مطالعات زنان، شماره ۳۷ به نقل از قرطبی، ۱۳۶۴، ۲۴۳)

سوره نور

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِسْرَائِيلِهِنَّ أَوْ بَنَاتِهِنَّ أَوْ بَعْضَ إِسْرَائِيلَ الَّذِينَ لَا يَحْسَبُونَ الْفَلَاحَ وَالْحِجَابُ رِجَالُهُمْ عَلَى سَنَابِلِهِمْ وَمِنْهُمْ نَجَارِيتُ الْمَثَلَبِ إِذْ يَمُرُّبْنَ إِسْرَائِيلَ فَغَدَاةً لَوْلَا إِذْ سَبَقْتَهُمْ لَمَسَّ السَّابِقَ فَمَا يَنْبَغُ عَلَيْهِمْ أَنْ يُصِرُّوا لَكُمْ إِسْرَائِيلَ فَذَلِكُمْ الَّذِي نَبْهَتُوا عَنْهُ وَإِنَّكُمْ لَعَائِدُونَ»

ای محمد! به زنان با ایمان بگو، از برخی نگاه‌ها چشم‌پوشی کنند و دامن‌های خود را حفظ نمایند و جز آنچه (به طور طبیعی) ظاهر است، زینت‌های خود را آشکار نکنند و روسری خود را بر گریبان بیفکنند (تا علاوه بر سر، گردن و سینه آنان نیز پوشیده باشد) و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر، یا پدر یا پدرشوهر، یا پسر، یا پسرشوهر (که از همسر دیگر است) یا برادر، یا پسربرادر، یا پسرخواهر، یا زنان (هم‌کیش). (نور/۳۱)

مناسب است در ابتداء معنای برخی از واژه‌ها آیه بیان شود.

زینت:

(زینت) در لغت به معنای تزئین، آراستگی، پیراستگی، زیور و پیرایه، آرایشگری، آذین بندی، مدال یا نشان، تامین خواسته، حکم تامین مدعا به، احضار شخص ثالث، حکم توقیف حاصل می‌شود. (فرهنگ المعانی، عربی به فارسی)

اما اختلاف آن است که منظور از زینت آشکار چیست؟

فخر رازی نظر خود را در مورد زینت آشکار بیان کرده است. هرکاری که زینت زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه سازد ممنوع است. «يُعَلِّمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» با حفظ حجاب، حضور زن در جامعه مانعی ندارد. «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ». (ر.ک، تفسیر فخر رازی، ۱۷۶)

ابن جوزی به تفصیل اختلاف اقوال را گزارش کرده و هفت نظر را نقل می‌کند و در یک جمع دیگر ابن عربی اقوال را در سه قول خلاصه کرده و می‌نویسد: «اختلف في الزينة الظاهرة على ثلاثة اقوال الاول انها الثياب يعني انها يظهر منها ثيابها خاصة قاله ابن مسعود، الثاني الكحل والخاتم قاله ابن عباس و المسور الثالث انه الوجه و الكفان».

اول: مقصود از زینت ظاهری همان لباس می‌باشد و این نظر کسانی است که تمام بدن را زینت می‌دانند. چرا که در این صورت بدن زن زینت باطنی و لباس وی زینت ظاهری است.





دوم: مراد از زینت آشکار سرمه و انگشتر است.

سوم: مقصود از زینت ظاهری مچ دست‌ها و چهره است که بیشتر فقهای اهل سنت همین نظر را پذیرفته‌اند، هر چند برخی قدم‌های پا را نیز اضافه کرده‌اند. (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ۲۹۰)

خمار

«خمار» از ریشه خَمَر به معنای پوشش است، در اصطلاح و عرف عرب «پارچه‌ای که زنان سر خود را با آنان می‌پوشانند و به تعبیر معروف در زبان فارسی روسری یا چارقد است». (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱۶۰) مفسرین نیز همین‌گونه معنی کرده‌اند به عنوان نمونه در آیات الاحکام آمده: «الخمار هو ما تغطي به المرأة رأسها مأخوذة من الخمر لمعنى الستر و التغطية».

دوم. روایات

در فقه اهل سنت وجوب پوشش صورت مبتنی بر آن است که آیا عورت مشتمل بر صورت نیز بوده یا خیر؟ بر اساس نظر جمهور اهل سنت صورت جزو عورت نبوده، لذا پوشش آن واجب نبوده و آشکار نمودن آن فی نفسه معنی نخواهد داشت، هر چند احناف در مورد زنان جوان، از باب دفع مفسده قائل به وجوب پوشش صورت آنها شده‌اند.

همچنین در روایت دیگری که ترمذی در سنن خویش روایت نموده، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تمام بدن زن را عورت قلمداد فرمودند: «الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ، فَإِذَا خَرَجَتْ اسْتَشْرَفَهَا الشَّيْطَانُ» زن عورت است، پس هنگامی که از منزل خارج می‌گردد شیطان بر وی نظر می‌کند. و در روایت دیگری به نقل «ابوداود» از طریق عایشه آمده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا بَلَغَتِ الْمَحِيضَ لَمْ تَصَلِحْ أَنْ يَرَى مِنْهَا إِلَّا هَذَا وَهَذَا وَأَشَارَ إِلَى وَجْهِهِ وَكَفَّيْهِ» همانا زن هنگامی که به سن بلوغ می‌رسد جایز نیست که به او نگاه شود مگر به صورت و دو کف دست وی. (صدیقی، معناه دلایل فایده‌های حجاب، مقاله ۳۰)

ج. اقوال مفسرین اهل سنت در محدوده حجاب

از تفسیر سوره نور چنین برداشت می‌شود که، مسأله اول: (وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ ... يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ) مربوط عموم مردان و زن مؤمن است و به حسب خطاب کلی که در قرآن در اصول فقه بیان شده

مگر اینکه خداوند به زنان تأکید بیشتری نموده است. در حدیث ام عماره انصاریه گفته شده: ای رسول خدا همانا من همه احکام در مورد مردان را می‌بینیم ولی در مورد زنان نمی‌بینیم، پس آیه ۳۵ احزاب نازل شد، خداوند در مورد غض چشم و حفظ فرج تأکیدی فروان نموده و زنان را نسبت به مردان بیشتر سفارش نموده است.

مسأله دوم: «يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» نگاه کردن بر چیزی که حلال نیست شرعاً حرام و زنا است.

ابوهریره می‌گوید از رسول خدا شنیدم که می‌گفت وقتی خداوند برای فرزند آدم بهره از زنا را نوشت که در آن محال نباشد، دو چشم زنا می‌کند و زنا چشم نگاه کردن است و دو دست زنا می‌کند و زنا دستها حرکت است و دو پا زنا می‌کند زنا پاها راه رفتن و نفس تنمی می‌کند و فرج بر صدق و کذب آن گواهی می‌دهد. قال ابوهریره: «سمعت من رسول الله يقول: إن الله إذا كتب على بن آدم حظر من الزنا ادرک ذلك لا محاله، فالعیناک... نظر...»

همانطور که بر مرد حرام است نگاه به زن، بر زن هم نگاه بر مرد حرام است، همانطور که مرد علاقه دارد زن هم علاقه دارد قصد زن و مرد شبیه به هم است.

مسأله سوم زینت دو قسم است:

۱- خلقی: اصل زینت و مجال خلق است و معنی حیوانیت نظر به مصلحت‌ها و حسن

ترتیب محل آن در سر است و متباقی یکی بعد دیگر بنابر تدبیر خالق قرار داده شده است.

۲- اکتسابی: آنست که زن خودش را نیکو می‌کند و به وسیله لباس، سرمه و خضاب.

مسأله چهارم: «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» بدانید خداوند از حقایق شما آگاه است و ظاهر الفاظ در مقابل یکدیگر اقتضاء می‌کند، اگر باطن لفظ است مانند اول و آخر، قدیم و جدید، در مورد زینت ظاهری سه قول است.

۱. لباس: منظور لباس خاص است. (ابن مسعود)

۲. سرمه و انگشتر. (نظر ابن عباس و المسور)

۳. صورت و دو دست.

اگر در زینت‌های ظاهری صورت و دستها، سرمه و انگشتر نباشد زینت نیست و اگر بود واجب است بپوشاند ولی زینت‌های باطنی مثل گردنبند، دستبند، پابند اشکال ندارد.



ابن قاسم می‌گوید از مالک روایت شده خضاب از جمله زینت ظاهری نیست و در رنگ آن اختلاف است طوری که عایشه می‌گوید: از زینت‌های ظاهری است زیرا در دو دست است و مجاهد می‌گوید: از زینت‌های باطنی است چون خارج از دو دست است و اگر در زراع و بازوها باشد و همچنان اگر در دو پا باشد و درست‌تر از همه این است که در هر صورت زینت صورت و دست را می‌توان در نماز ظاهر نمود.

مسأله پنجم: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» جیب همان گردنبند و خمار مقنعه و روسری بلند است، این آیه دلالت بر این دارد که باید گردن و سینه پوشانده شود.

مسأله ششم: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» خداوند آشکار کردن زینت را حرام کرده استثناء دارد در ده محل، مثل اینکه همه جای زن برای شوهرش حلال است ولی در بین مردم نگاه کردن مرد به فرج زنش اختلاف است بعضی‌ها می‌گویند جایز ولی بعضی‌ها می‌گویند جایز نیست ولی درست این است که جایز باشد. (ابن عربی، احکام القرآن، ۱۴۰۵ق، ۱۳۶۷، ۱۳۷۰)

د. دلیل فقهای اهل سنت

بحث پوشش و حدود آن در فقه جایگاه مستقلی نداشته و فقط در دو مورد مطرح شده، «ستر در نماز» که یکی از مقدمات و شرایط نماز است و دیگری «کتاب نکاح» به مناسبت جواز نگاه کردن مرد به زنی که برای خواستگاری رفته است، تنها فقیهی که این مسئله را به طور مستقل بیان نموده سرخسی می‌باشد، ایشان مطابق فقه حنفی، مسأله پوشش مردان و زنان و مسأله نگاه به یکدیگر را به طور مستقل بررسی نموده است. (سرخسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴۵) در بحث ستر نماز، بسیاری از فقها تصریح کرده‌اند، حد پوشش مخصوص نماز نیست و غیر نماز را نیز شامل می‌شود.

از آنجا که بسیاری از فقهای اهل تسنن مسأله پوشش و حدود آن را به طور عام مطرح کرده‌اند.

شافعی: «و كل المرأة عورة الا كفيها و وجهها و ظهر قدميها» زنان باید همه بدن، غیر از چهره، دست‌ها و پاها را بپوشانند، برخی دیگر از علمای شافعی فقط به استثنای چهره و دست‌ها تصریح کرده و به پاها اشاره نکرده‌اند البته رافعی شافعی مذهب در شرح خود بر «الوجيز» غزالی

تصریح می‌کند: «ولایستثنیٰ ظهور قدمیها». یعنی پوشش قدم‌ها واجب بوده و حکم چهره و مچ دست را ندارند. اما برخی نیز معتقدند از دیدگاه شافعی، زنان باید چهره و دست‌های خود را هم بپوشانند.

مالکی‌ها: مالک بن انس رئیس مذهب مالکی معتقد است: «إذا صلت المرأة و شعرها باد او صدرها او ظهور قدمیها فلتعد الصلاة» اگر زنی هنگام نماز سر و سینه‌اش پیدا باشد یا پشت پایش پوشیده نباشد، نماز را اعاده کند. مالکی‌ها چهره و مچ دست‌ها را از پوشش استثنا کرده‌اند.

حنفی‌ها: برخی از فقهای حنفی نیز همین نظر را پذیرفته‌اند، اما برخی دیگر قدم‌ها را هم از پوشش استثنا کرده‌اند.

حنبل‌ها: نیز دو گروه شده‌اند، برخی چهره و دست را استثناء کرده‌اند، ولی بیشتر آنان پوشش تمام بدن زن غیر از صورت را واجب دانسته‌اند؛ برخی هم آشکار شدن دست‌ها را اجازه نداده یا حداقل در آن تردید کرده‌اند.

بنابراین مذاهب چهارگانه اهل تسنن، پوشش همه بدن زن را غیر از چهره، دست‌ها و قدم‌ها، در نماز و در برابر مرد نامحرم واجب می‌دانند و فقها هم فتوا داده‌اند که باز بودن چهره مانعی ندارد، هر چند به دلیل ضرورت و مشقت در پوشش باشد. علما برای این دو مدعا یعنی لزوم پوشش و مقدار آن دلایلی ذکر کرده‌اند، برخی از این استنادها بیان می‌شود. (فاضل، مجله راهبردی زنان، شماره ۳۷، ۳۰)

۴. اشتراکات و اختلافات فقه شیعه و اهل سنت در محدودهٔ حجاب

الف. اشتراکات

شیعه و سنی در مسائل مربوط به نامحرم به لزوم حجاب و پوشش زن اتفاق نظر دارند. به دلیل اینکه مساله، ریشه در قرآن کریم دارد که مرجع فقه همه مسلمانان می‌باشد. اما در خصوص رابطه زن و مرد بیگانه که مورد سوال است فتاوی اهل سنت با فتاوی شیعه بسیار نزدیک است.





۱- **نگاه به نامحرم:** بر این اساس فقهای اهل سنت نظیر شیعه در فتاوی خود بر حرمت نگاه به نامحرم و پرهیز از اختلاط زن و مرد تاکید نموده است. حتی لباس‌های نازک و بدن نما و نیز لباس‌های تنگ که برجستگی‌های جسمی و بدنی زن را نمایش می‌دهد در بیرون از منزل شرعا حرام می‌داند و نیز رعایت پوشش زنانی را که از بستگان می‌باشد مانند زن عمو، دختر عمو و... (الجزیری، ۱۹۸۷، ق، ۹۵-۱۲۲)

۲- **مقدار پوشش واجب:** همه فقهای اهل سنت و شیعه اتفاق نظر دارند بر اینکه غیر از صورت و دستها بقیه اندام زن برای اجنبی عورت به حساب می‌آید و لذا پوشش تمام اندام زن هنگام مواجهه با مرد نامحرم واجب است. غیر از آن دو مورد. مستند و دلیل مساله نیز آیات قرآن است که خداوند می‌فرماید: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَعْضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكَى لَّهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌۢ بِمَا يَصْنَعُوْنَ» «ای پیامبر! به مردان با ایمان بگو: چشمان خود را از نگاه حرام فروگیرند و پاکدامنی خود را حفظ نمایند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. بی گمان خداوند به آنچه انجام می‌دهند آگاه است» (نور/۳۰)

۳- **دست دادن زن و مرد نامحرم:** فقهای اهل سنت در مساله دست دادن نیز مثل اهل شیعه نظر یکسان دارند طبق فتاوی آنان لمس و تماس فیزیکی زن و مرد نامحرم و به‌خاطر شدت خوف در فتنه حرمتش شدیدتر از نگاه به نامحرم است مگر در موارد ناچاری مثل نجات غریق، بیماری و... این موارد استثناء شده است. طبق فتاوی اهل سنت نظر شیعه دست دادن به نامحرم، مصافحه و روبوسی زن و مرد نامحرم حرام است. (ابن تیمیه، ۱۹۸۷، ۱۲۲)

ب. اختلافات

دیدگاه شیعه و اهل سنت در رابطه با نامحرم این است که زن باید غیر از صورت و دستان تا مچ بقیه اعضای بدن را بپوشاند.

البته شافعی معتقد است که صورت و دستان را نیز بپوشاند. برخی اهل سنت معتقدند که زن در خلوت و تنهایی باید بین ناف و زانوهای خود را بپوشاند مگر مواردی ضروری مانند حمام ولی شیعه چنین نمی‌گوید.

بیشتر اهل سنت می‌گویند که زن مسلمان در برابر زن غیر مسلمان باید تمام بدن خود را به جز صورت و دستها را بپوشاند که شیعه چنین نمی‌گوید.

اهل سنت می‌گویند، زن در برابر محارم مانند پدر یا برادر و... باید از ناف تا زانوها را بپوشاند ولی بیشتر فقهای شیعه می‌گویند پوشاندن عورتین کافی است. (الجزیری، بیتا، ۱۹۰-۱۹۲)

فقهاء شیعه و اهل سنت در حکم واجب بودن حجاب متفق هستند اما اختلاف شان روی محدوده حجاب است.

نتیجه‌گیری

آنچه که در مطالب مندرجه در تحقیق ما به دست می‌آید از این قرار است:

۱- حجاب از نظر فقه شیعه و اهل سنت چنین بیان شده است که مستند و دلیل مساله حجاب نیز آیات قرآن و خداوند متعال در چند آیه از جمله آیه ۳۰-۳۱ سوره نور، آیه ۵۹ سوره احزاب پوشش زن را واجب کرده و فرموده است: ای پیامبر به زنان مؤمنه بگو تا چادرهای خود را بپوشند، این کار بهتر است برای آنها تا آنکه اهل عصمت و تقوا شناخته شوند و مورد آزار و اذیت مردان (مزاحم و هوسران) قرار نگیرند، همانا خداوند متعال بخشنده و مهربان است.

۲- دیدگاه فقه شیعه و سنی در رابطه با نامحرم اینست که زن باید غیر از صورت و دستان تا میچ تمام قسمت‌های بدن خود را از نامحرم بپوشاند.

۳- نظر به آیین دین اسلام که چگونه پوشش زن را بیان نموده چگونه به زن ارزش قایل شده است زنان باید برای رسیدن به کمال طبق آن عمل نمایند.

۴- فقهاء اهل سنت در مسأله حرمت لمس نیز مثل شیعه نظر یکسان دارد. طبق فتوای آنان لمس و تماس فیزیکی زن و مرد نامحرم به خاطر شدت خوف در فتنه حرمتش شدیدتر از نگاه به نامحرم است مگر در موارد ناچاری. مثل نجات غریق و بیماری و غیره، این موارد استثناء شده.



کتابنامه

قرآن کریم.

۱. اشتهاوردی، محمد محمد؛ پوشش زن در اسلام.
۲. ابوالفرج عبدالرحمن بن علی ابوالفضائل جمال‌الدین بغدادی معروف به ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳.
۳. ابن عربی، محمد بن عبدالرحمن ابوبکر، احکام القرآن، ناشر: دارلحبل بیروت، چاپ اول ج ۳.
۴. النعیمی، ابو محمد، ابن تیمیه و منهجه فی الحدیث، ۱۹۷۸ق، ج ۳.
۵. الجزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب اربعه، ۱۹۷۸، ج ۳.
۶. جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، ناشر: انتشارات دلیل ماه، ۱۳۸۶، چاپ دوم.
۷. حسینی، دکتر سید محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی چاپ اول ۱۳۸۲، انتشارات صدرا.
۸. سیاح طاهری، سعید، ۱۳۷۸، ج ۱.
۹. سرخسی، محمد بن أحمد بن أبی سهل شمس الأئمه، المبسوط، الناشر: دار المعرفة - بیروت، تاریخ النشر: ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م، ۱۴۰۶ق، ج ۳.
۱۰. شیرازی، آیت الله مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۸۴، ج ۱۷، انتشارات دارالکتاب اسلامیه.
۱۱. صدیقی، محمد زمان، معنای دلائل فایده‌های حجاب، (<http://ahlesuna.blogfa.com/category/۲>)
۱۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، مفردات الفاظ القرآن، ج ۳.
۱۳. عاملی، شیخ حر، کتاب وسایل الشیعه، چاپ دوم: ج ۲۰.
۱۴. فخررازی، محمد بن عمر، تفسیر الفخرالرازی المشتهر بالتفسیر الکبیر و مفاتیح الغیب، ج ۶ محل نشر: بیروت - لبنان، سال نشر ۱۴۲۳.
۱۵. فلاح تفتی، فاطمه، حاکیت حجاب، ۱۳۹۷.
۱۶. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، چاپ، ۱۱ سال ۱۳۹۴، انتشارات صدرا.
۱۷. مهدی زاده، حسین، فلسفه حجاب: واکاوی حکمت و فواید پوشش اسلامی، ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۸. نجفی، محمد حسن، جواهر کلام، ناشر: انتشارات بیروت ۱۹۸۲ م، ج ۷.
۱۹. فاضل، محمد هادی، مجله مطالعات زنان، شماره ۳۷.
۲۰. Copyrights ۲۰۱۰-۲۰۱۸ Almaany.com, All rights reserve
۲۱. <http://www.askdin.com/showthread.php?t=۶۱۹۶۳>